

# شناسنامه جنبش و موشهای سبز !

بعد از وقایع روز مذهبی عاشورا و عزم مردم بر تغییرات بنیادین ، شاهد عکس العملهای جالب و سکوتی جالبتر از سوی مدعیان رهبری جنبش سبز بودیم . همان کسانی که از واژه ها هم وحشت دارند و از افتادن یک سنگ ریزه در داخل حوض و ایجاد موجی کوچک سکتته میکنند ! موعظه ها کردند اندر فوائد آرامش و دوری از خشونت ... و روضه ها خواندند برای سرکوب شدگان ! اما در روز مذهبی عاشورا و پیشروی مردم در مقابله با ارتجاج و اسلام ... سکتته را زدند و به قول ادبیات کوچه ، ریدند ؛ منتها به خودشان ....! چه افرادی مثل سحابی در داخل ایران و چه بقیه ها در خارج از ایران .

مسعود بهنود در مطلبی نوشت و گفت : نگرانم !

به چون مامانم آگه نمینوشت نمیفهمیدیم ! دعوی شخصی با کسی نداریم اما دعوی سیاسی و عقیدتی داریم زیاد هم داریم . مخاطبیم هم افراد نیستند . مجموعه ایی از ارادل سیاسی ، عقیدتی هستند که عاشق بودند عاشق سبز. از سروش و گنجی و عبادی گرفته ... تا بقیه . تمام کسانی که از معده فکری اسلام دفع شده بودند و یا مقاومت میکنند تا دفع نشوند . تلاش میکنند تا دوباره شیاف شوند . اینها همه عاشقند. از اول هم چیزی کم نداشتند از مدیای غرب تا تبلیغات و امکانات آنچنانی و تا افاضات تخمی اندر باب فوائد جنبش سبز و عدم خشونت و سکولاریسم مذهبی و اسلامی !

آخرش هم ما نفهمیدیم این سکولاریسم مذهبی دیگر چه صیغه ایی است ؟ و قرار بود مثلا چکار کند ؟ از سروش و گنجی که جوابی در نیامد . سکولاریسم عمامه ایی هم نویر است . سکولاریسمی که موجودیتش با اسلام گره خورده باشد به درد همه جا و همه کس میخورد جز مردم ! گفته بودم و باز هم میگویم آنچه که در بطن جامعه ایران در غلیان است کاملاً نو و جدید و غیر قابل پیش بینی است . بنابراین سکولارهای اسلامی و فروشندگان سکولاریسم زیاد سرعت نگیرند چون ابداً به پای احمدی نژاد نمیرسند . احمدی نژاد که فقط به هاله نور نیست ، خودش هم جنبش است ، سبز است ، سکولار است آرمان است ، هدف است ، سحابی است ، سروش است ، گنجی و عبادی است و بهنود و سازگارا و ....!

آن جنبش سبزی که غرب هم تا مدتها در آن دمید و گل پخش کردند .... و جار زدند سر سلاح سربازان اسلام گل بگذارید... و مثنی پفیوز و جاکش سیاسی هم در زیربیر غش سنیه زدند... فاقد بستر تاریخی خودش بود همه چیزش ساختگی بود ، حتی واژه ها و ادبیاتش ، ناچسب و غیر قابل اتکا بود . این را مردم از اول هم میفهمیدند . اما جاکشان سیاسی نمیخواستند بفهمند . به همین خاطر بعد از وقایع روز عاشورا اکثراً سکتته را زدند . آرشیتکتهای جنبش سبزی که فقط قربانیان را به آرامش دعوت میکرد و مبلغان پفیوز آن از ریخته شدن خون جوانان نعشه میشدند !

مسعود بهنود و دوستانش فقط نگران نیستند وحشت کرده اند و الا مخملباف به زعم خودش آس رو نمیکرد . گفتن از خامنه ایی و اسبهایش و ثروتش و چهره سلطان صاحبقرانی اسلام ، نه جدید است و نه عجیب . جنسش از همان جنس سبز است همان جنس سبزی که ذوب شدن در آن ، تجربه ذوب در ولایت ، تنها شرطش است ! مخملباف بهتر بود اول نگاهی به خودش میکرد که چه میکند و چه کرده است ؟ والا ننه من هم سلطان صاحبقران و خامنه ایی را خوب میشناسد .

مردم که در روز عاشورا نقطه مختصات خودشان را نشان دادند .

رژیم اسلام در تمامیت آن هم که نیازی به تشریح نقطه مختصات ندارد .

دفع شدگان اسلام هم با سنده سکولارشان اصلاً نیازی به مختصات ندارند . فکر کردن با دسته کورا طرفن !

پدیده ایی به نام جنبش سبز که تا مدتها در مدیای غرب و توسط جاکشان سیاسی ، عقیدتی ، وطنی ، تبلیغ میشد پنبه اش از همان ابتدای اوج گیری جنبش توسط مردم هر روز بیشتر زده میشد . گفته بودم شعور مردم را دست کم نگیرید . مردم کار خودشان را میکنند و گوش به هیچ ابله و احمق نمیدهند !

توحش اسلام در مقابل این جنبش سراسری با هر درجه ایی که باشد باز هم در مسیر این جنبش تاثیر جدی نخواهد گذاشت . مردم ایران در روز عاشورا این جنبش را بیمه کردند قیمتش را هم دادند . 48 ساعت بعد از سرکوب خونین قیام توسط اسلام ، مشتی قرمساق به اسم رهبران سیاسی جهان ، زبانشان باز شد . آنها از وقایع روز عاشورا و پیشروی مردم خوشحال نیستند ، بلکه متنفرند . اگر مجبورند یک زوزه سیاسی هم بعد از 48 ساعت بکشند ، باید به مردم ایران دست مریزاد گفت که تحمیل کردند !

تمامی لحظاتی که روز عاشورا و تمامی این روزها توسط مردم خلق میشود در مدارای غیر قابل توصیف زیبا است . قدمهای بعدش اما ، باز هم قابل پیش بینی نیست . شاید بار طبقاتی به خودش بگیرد و شاید هم در قدم اول به دنبال یک نظام پایدار سیاسی باشد . هر چه که هست مطمئن باشد و هستم که کپی نیست ، جدی است و برای شناختن قدم به قدم این جنبش باید جدی بود . این همان مولودی است که هیچکس نمیداند به طور واقعی چه شکلی است ؟ اما هست !

اشتباه نکنید ، تاریخ در ایران در حال تکرار شدن نیست . نه از نوع تراژیک و نه از نوع کمدی آن ! مردم ایران در حال ساختن تاریخ هستند و بچاره موشهای سبز که فکر میکردند با تاریخ هم میتوانند شوخی کنند . آقایان و خانمهای گنجی نشان ، تاریخ انسان را نساخت بلکه انسان در همه شرایطی در حال ساختن تاریخ است . برای ساختن تاریخ اگر مردم تشخیص دادند باید از خیابان عبور کرد .... شماها چرا حالتان بد میشود ؟ روضه استراتژی و تاکتیک برای ما نخوانید . شماها چه در تاکتیک و چه در استراتژی .... به پرهیز از فروپاشی نظام اسلام و عدم خشونت از سوی مردم تعهد به نظم نوین داده اید .

موشهای سبز هنوز در تلاش هستند تا سطح تغییر را محدود به افراد نگه دارند . برای موشهای سبز تاکتیک و استراتژی دیگری متصور نیست . آنها فقط به رفتن احمدی نژاد و خامنه ایی فکر میکنند و به عوض کردن پالون خر اسلام راضی هستند . موشهای سبز از نظر فکری مریض هستند و هر تازه ایی حالشان را بد میکند . به خصوص استراتژی ریشه کن شدن نظام اسلام در ایران توسط مردم و تاکتیک خیابان !

تغییر در تقدیر است . شعور مردم را دست کم نگیرید . از جاکشان سبز سیاسی که گذشت . امیدوارم کس دیگری از این فکرهای سبز تخمی به سرش نزند !

امروز اولین روز سال 2010 است و آنهایی که فکر میکردند میشود مثل 50 سال پیش با عوض کردن فقط یک عکس بر روی یک شناسنامه قدیمی با مشخصاتی مستعار و کهنه ، باز هم جایزه نوبل جادوگری را ببرایند ، بعد از عاشورا سخته را زدند و این اصلا هم سرشار از ناگفته ها نیست !



ژنو 01.01.2010

اسماعیل هوشیار

[www.roshanak.nl](http://www.roshanak.nl)